

Institutionalization of Religious Values with the Application of Quranic Teachings: Based on Systems Theory with the Aim of "Better Selection" in Commercial Behavior

Vahid Salimi¹ Soheila Parastegary² Mahboobeh Sadat Fadavi³

¹ PhD Student of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Humanities, Islamic Azad University (Khorasgan Branch), Isfahan, Iran. m.fadavi@khuisf.ac.ir

² Assistant Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Humanities, Islamic Azad University (Khorasgan Branch), Isfahan, Iran (Corresponding Author). soheilaparastegary@gmail.com

³ Associate Professor, Department of Management, Faculty of Management, Islamic Azad University (Khorasgan Branch), Isfahan, Iran. m.fadavi@khuisf.ac.ir

Doi: 10.22034/iscw.2024.2030241.1053

Original Research

Received:

2024-05-26

Accepted:

2024-08-25

Keywords:

Institutionalization of religious values, Quranic teachings, systems theory, better choice, business

Abstract: While financial matters were previously considered crucial for the success of commercial organizations, in recent years, ethical values have become increasingly important for their sustainability. This study posits that Quranic teachings, as the foundation of religious values, can be utilized through a "better selection" approach to develop a framework for the institutionalization of religious values. Employing a descriptive-analytical method, this research aims to extract the process of institutionalizing religious values by applying Quranic teachings based on systems theory with the goal of achieving "better selection" in commercial behavior. Systems theory emphasizes interconnectedness, where individual components cannot effectively achieve a shared goal in isolation. Within the network of institutionalizing values, coordination and interconnectedness exist through hierarchical and sequential relationships. This process is defined as follows: the emergence of ethical commercial behavior is based on sound beliefs aligned with Islamic commercial laws. To achieve this, methods for practical adherence to commercial rulings were initially defined. The institutionalization of virtues, in accordance with the three domains of human existence, is defined as follows: firstly, motivation must be generated towards the desired virtue. After fostering a desire for the virtue, awareness-raising regarding the specific virtue is necessary. Once awareness and cultivation of the desired virtue reach an acceptable level, the behavioral phase employs methods that facilitate the embodiment of that virtue within the commercial environment. The integration of systems theory and the "better selection" model from Quranic teachings yields a sequential process for institutionalizing religious values in commerce. This model is applicable for embedding ethical virtues and regulations across all professions.

نهادینه‌سازی ارزش‌های دینی با کاربست آموزه‌های قرآنی؛ مبتنی بر نظریه سیستم‌ها با هدف بهترگزینی در رفتار تجاری وحید سلیمی^۱ سهیلا پرستگاری^۲ محبوبه سادات فدوی^۳

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

v.s.2200466@gmail.com

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول)

soheilaparastegari@gmail.com

۳. دانشیار گروه مدیریت، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

m.fadavi@khuisf.ac.ir

DOI: 10.22034/iscw.2024.2030241.1053

چکیده: پیشتر مسائل مالی در پیشرفت سازمان‌های تجاری از عوامل مهم در موفقیت محسوب می‌شد، اما در سال‌های اخیر ارزش‌های اخلاقی از شاخص‌های مهم‌تری برای ماندگاری به‌شمار می‌رود. مدعا این است که آموزه‌های قرآنی همچنان - که بن‌مایه ارزش‌های دینی است؛ با بهترگزینی از آن می‌توان شبکه نهادینه‌سازی ارزش‌های دینی را استخراج نمود. این پژوهش می‌کوشد با روش توصیفی تحلیلی، سیر نهادینه‌سازی ارزش‌های دینی را با کاربست آموزه‌های قرآنی مبتنی بر نظریه سیستم‌ها با هدف بهترگزینی در رفتار تجاری استخراج نماید. در نظریه سیستم‌ها اجزا به‌هم پیوسته بوده و به‌تنهایی نمی‌توانند برای دستیابی به هدف مشترک اثرگذار باشند. بین اجزاء شبکه نهادینه‌سازی، هماهنگی و به‌هم پیوستگی به‌واسطه رابطه طولی و ترتیبی وجود دارد. این سیر بدین صورت تعریف شد: ظهور (اخلاق) رفتار تجاری صحیح، مبتنی بر اعتقادات صحیح مطابق با احکام (قوانین تجاری) اسلام، محقق می‌شود. برای تحقق این امر، در ابتدا روش‌های التزام عملی به احکام تجاری تعریف شد. نهادینه‌سازی صفات نیز مطابق با ساحات سه‌گانه انسان بدین گونه تعریف شد: ابتدا باید نسبت به انجام صفت مطلوب ایجاد انگیزه شود. بعد از ایجاد رغبت به انجام صفت، نوبت به آگاهی بخشی پیرامون صفت مربوطه می‌رسد. هنگامی که آگاهی بخشی و پرورش صفت مطلوب به حد قابل قبولی رسید، در مرحله رفتارسازی از روش‌هایی استفاده شد که در محیط تجاری انصاف به آن صفت صورت می‌گیرد. خروجی تلفیق و ادغام نظریه سیستم‌ها و الگوی بهترگزینی از آموزه‌های قرآنی، سیر ترتیبی نهادینه‌سازی ارزش‌های دینی در تجارت است؛ الگویی که برای نهادینه‌سازی صفات اخلاقی و قوانین در تمام حرفه‌ها کاربرد دارد.

صص: ۱۵۰-

۱۲۱

مقاله:

علمی پژوهشی

دریافت:

۱۴۰۳/۰۳/۰۶

پذیرش:

۱۴۰۳/۰۶/۰۸

کلیدواژه‌ها:

نهادینه‌سازی

ارزش‌های دینی،

آموزه‌های قرآنی،

نظریه سیستم‌ها،

بهترگزینی،

تجارت.

۱. بیان مسئله

در عصر حاضر ارزش‌های دینی حاکم بر محیط‌های کاری از جمله محیط تجاری از اهمیت روزافزونی برخوردار است به طوری که بعد از رسوایی اخلاقی شرکت‌های بزرگی مانند انرون و تایکو^۱، هیئت مدیره بسیاری از شرکت‌ها بر تأثیر ارزش‌ها بر رفتارهای کارکنان تأکید کردند. هر چند چالش بقای سازمان‌ها در شرایط اقتصادی سخت، توجه رهبران را از فرهنگ و ارزش‌ها منحرف کرده است. اما مدیران بر این باورند که ارزش‌های سازمان یعنی هنجارهای اصلی برای تعریف رفتارهای مناسب و نامناسب و استانداردهایی که باید در تصمیم‌گیری و فرایندهای مختلف سازمان لحاظ شوند، اهمیتی به مراتب بیشتر از عوامل اقتصادی دارد (Benedetto, 2015). دین اسلام به‌عنوان یک نظام همه جانبه برخلاف مکتب‌های غیرتوحیدی، در تمام شئون فردی و اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، نظامی و اقتصادی، برای تمام ساحت‌ها و ابعاد وجودی انسان برنامه و دستورالعمل دارد و با پایه‌ریزی جامعه بر اساس مبانی ارزش‌های معنوی، دارای نقش محوری در ترسیم ساختارهای اجتماعی است.

«نظریه سیستم‌ها» در دانش مدیریت طرح بحث شده و در طول چند دهه گذشته در رشته‌های گوناگون توسعه یافته و به‌صورت کاربردی به‌کار رفته است. از دیدگاه رایبیز، سیستم عبارت است از «اجزا پیوسته و مرتبط به‌هم که به‌نحوی تنظیم گردیده‌اند که یک کل متشکل از تکتک اجزا را به‌وجود می‌آورند» (رایبیز، ۱۳۷۶، ص ۲۹). هنگامی که بتوان عنصری از یک سیستم را به‌منزله سیستمی جداگانه در نظر گرفت، آن عنصر «خرده سیستمی» از سیستم بزرگ‌تر تلقی می‌شود. هر خرده سیستم نیز ممکن است از خرده سیستم‌های دیگری تشکیل شده باشد (رضاییان، ۱۳۷۶، صص ۲۹-۳۶). هر متنی به مثابه یک سیستم است و برای فهم و تفسیر آن، باید سیستمی عمل کرد (هیلدی، ۱۹۷۸، صص ۱۱-۱۰). قرآن کریم نیز این نظر که یک متن وحیانی است و به زبان بشری نازل شده مثل یک سیستمی است که فهم و تفسیر آن بر مبنای سیستمی، نتایج خاص خود را دارد. از این رو، نگاه سیستمی به قرآن و برداشت‌های سیستمی از آن اهمیت می‌یابد. «تفکر

¹ .Enron and Tyco.

سیستمی یک رویکرد تحلیلی جامع برای درک چگونگی تعامل عناصر مختلف در یک سیستم است» (دروسنی، ژوئل و جون بیشون، ۱۳۷۰، ص ۱۴۰). مصباح یزدی رویکرد سیستمی نسبت به دین اسلام دارد و معتقد است «اسلام را باید به صورت یک مجموعه شناسیم و همه اجزای آن را در نظر بگیریم؛ سپس موقعیت هر جزء را در این مجموعه تشخیص دهیم، نه این که به دلیل وجود وضعیتی خاص به برخی از اجزای آن بیش از حد اهمیت دهیم و برخی دیگر ناشناخته گذارده شود؛ باید تلاش کرد همه ابعاد اسلام را شناخت» (مصباح یزدی، ۱۳۹۲، صص ۲۶-۲۷). وی محتوای دین را به دو قسمت عقائد و ارزش‌ها تقسیم کرده است (همو، ۱۳۷۵، ص ۱۳) که درونی‌سازی ارزش‌های دینی امور مطلوب در دو حوزه احکام و اخلاق است.

بهرترگزینی^۱ یکی از رویکردهای مستخرج از آموزه‌های قرآنی است که می‌توان برای ارتقای جامعه از جمله رفع چالش‌های تجاری از آن بهره جست. بهترگزینی واژه‌ای است که از حوزه صنعت و تجارت اقتباس شده و به‌ویژه در زمینه‌های مدیریت استراتژیک کاربرد دارد. مراد از آن رفتار متواضعانه برای پذیرش برتری دیگران در یک موضوع خاص و نیز رفتار عاقلانه برای رقابت و برتری جستن بر آنها در همان موضوع است (کمپ، ۱۹۹۸، ص ۲۳۰). هدف بهترگزینی عبارت است از «شناسایی و تحصیل استانداردهای عالی و انطباق رویه‌ها و فرایندهای سازمانی با الگوهای برتر در آن زمینه» (سینق و همکاران، ۲۰۰۸، ص ۷۵). تلاش مستمر برای بهبود عملکرد از طریق مقایسه با الگوهای برتر، از طریق آموزه‌های قرآنی میسر است؛ زیرا قرآن کتاب هدایت است (البقرة: ۲) و هرآنچه از نیازمندی‌های این هدایت است از جمله بیان ارزش‌های دینی و به تبع آن راه‌های نهادینه‌سازی ارزش‌های دینی در آن ذکر شده است (النحل: ۸۹). بنابراین در این تحقیق، بهترگزینی از آیاتی است که بر صفات حسنه و احکام تجاری دلالت دارد و با هدف استخراج روش‌های نهادینه‌سازی ارزش‌های دینی انجام می‌شود.

در رابطه با نوع واکنش به‌هنگام وقوع جرم، اهمیت درونی‌سازی ارزش‌های دینی را باید از جنبه ایجابی به بحث تربیت نگریست تا سلبی؛ از دیدگاه شهید مطهری «اشتباه است اگر بخواهیم برای جلوگیری از وقوع یک جرم فقط روی به مجازات بیاوریم. مجازات در

^۱.Bench Marking

مورد افرادی صورت می‌گیرد که جُرمی را به‌طور عادی و از روی حالت طغیان مرتکب می‌شوند. اسلام راه‌های متعددی از جمله تربیت برای جلوگیری از جُرم و گناه دارد؛ بدین صورت که اصول زندگی را بر مبنایی قرار می‌دهد که موجبات گناه پیدا نشود» (مطهری، ۱۳۷۴، صص ۷۰-۶۸). انسان از سه ساحت گرایشی، بینشی و کنشی برخوردار است (فقیهی، ۱۳۹۱، ص ۱۴). در امر تربیت و نیز نهادینه‌سازی ارزش‌های دینی باید به این سه ساحت توجه شود. از طرفی دیگر، شناخت و رشد یک برند تجاری، افزایش اعتماد به کالا و خدمات تجاری، افزایش کمی و کیفی مشتری و افزایش سرمایه‌گذاری، معمولاً زمانی مورد انتظار است که ارزش‌های دینی در محیط تجارت تجلی یابد که از نتایج آن، رونق کسب و کار است. از این‌رو نهادینه‌سازی ارزش‌های دینی ضروری به‌نظر می‌رسد. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی به دنبال پاسخ به این سؤالات است: ۱- نهادینه‌سازی ارزش‌های دینی در تجارت با کاربرست آموزه‌های قرآنی مبتنی بر نظریه سیستم‌ها چگونه محقق می‌شود؟؛ ۲- خروجی تلفیق و ادغام نظریه سیستم‌ها و الگوی به‌ترگزینی از آموزه‌های قرآنی چیست؟

۲. پیشینه پژوهش

مطالعه حاضر، بدنبال نهادینه‌سازی ارزش‌های دینی با کاربرست آموزه‌های قرآنی مبتنی بر نظریه سیستم‌ها با هدف به‌ترگزینی در رفتار تجاری است. مسئله درونی‌سازی ارزش‌ها مورد توجه پژوهشگران واقع شده است. نیک‌گهر (۱۳۶۹) ارائه الگوهای عملی و رفتاری با تکرار مداوم یک رفتار خاص توسط اشخاص الگو را روش مناسبی برای تبدیل به عادت اجتماعی شدن رفتار و نهادینه سازی آن می‌داند (نیک‌گهر، ۱۳۶۹، ص ۵۶).^۱

خلجی الگوآفرینی، تشویق، محبت، قصه‌آفرینی و بصیرت‌بخشی را از مؤثرترین شیوه‌های نهادینه‌سازی ارزش‌ها می‌داند. به‌کارگیری نیروی انسانی مقید به رعایت اخلاقیات و قانون در سازمان‌ها، آموزش عملی اخلاق توسط کارکنان مقید و پایبند به رعایت اخلاقیات

۱. نیک‌گهر، عبدالحسین، ۱۳۶۹، مبنای جامعه‌شناسی، تهران: نشر رایزن.

و قانون، و در نهایت، تدوین منشور اخلاقی برای سازمان‌ها از جمله راهکارهای نهادینه کردن اخلاق حرفه‌ای در سازمان‌ها می‌باشد (خلجی، ۱۳۹۰، ص ۱۴)^۱.

پژوهش قادرزاده و همکاران (۱۴۰۱)^۲ نشان می‌دهد از نگاه امام علی (ع) مهمترین ویژگی‌هایی که سبب می‌شود هنجارهای اجتماعی در جامعه نهادینه شوند، عبارتند از: عادلانه بودن هنجارها، هماهنگی و همسویی هنجارها با نیازهای ذاتی انسان، پایداری هنجارها، حق‌گرایی، هماهنگی هنجارها، همچنین آگاهی اجتماعی و پرهیز از فردگرایی، پذیرش الگوهای مرجع، خود کنترلی، آخرت‌گرایی، اعتقاد به نظارت الهی، وجدان اخلاقی، اعتقاد به کرامت ذاتی، معناگرایی، بخشی از ویژگی‌هایی است که افراد در جامعه انسانی، بایستی از آن برخوردار باشند تا هنجارها در اجتماع نهادینه شوند.

شریفی و همکاران، روش‌های قرآن در نهادینه‌سازی اخلاق در جامعه را مورد پژوهش قرار داده است و آگاهی‌بخشی، ایمان‌پروری، تزکیه نفس، تشویق و تنبیه را به‌عنوان راهکارهای آن معرفی می‌کند (۱۳۹۴)^۳. شایگان و همکاران (۱۳۹۶، ص ۱۱۴)^۴ به شیوه‌های دینی همچون تغییر ظاهر تحول باطن، مداومت بر عمل، ارائه الگوی مناسب رفتاری، حسن خلق، ارائه استدلال منطقی برای انجام رفتار برای نهادینه‌سازی رفتار در اعضای جامعه اشاره کرده‌اند.

۱. خلجی، حسن، ۱۳۹۰، شیوه‌های مهم نهادینه کردن حجاب در کودکان و نوجوانان، پژوهش نامه اسلامی زنان و خانواده.

۲. قادر زاده، مزگان؛ زارع، احمد؛ زارعی، حسن؛ زاهدانی، سعید، ۱۴۰۱، بازکاوی عناصر و مؤلفه‌های مؤثر بر نهادینه‌سازی هنجارهای اجتماعی از دیدگاه امام علی (ع)، پژوهشنامه علوی، ۱۰(۱۹)، ۱۵۷-۱۲۳. <https://doi.org/10.30465/alavi.2019.4944>

۳. شریفی، عنایت‌الله؛ جعفری نسب، سید حسین، ۱۳۹۵، پژوهشنامه معارف قرآنی (آفاق دین)، ۶(۲۳)، سال ۳ ششم زمستان ۱۳۹۴ شماره ۲۳، ۵۹-۸۴.

۴. شایگان، فریبا؛ سهرابی، حیدر، ۱۳۹۶، روش‌های نهادینه‌سازی رفتار از دیدگاه اسلام، تحقیقات بنیادین علوم انسانی، ۳(۳)، ۷۳-۹۴.

«نظریه سیستم‌ها»، دست‌کم در چند حوزه قرآنی قابل طرح و بررسی است. از جمله:

۱. معناشناسی واژه‌گان قرآن کریم؛ ۲. تدبّر و فهم روشمند و هماهنگ ظاهر قرآن؛ ۳. نظم قرآن (آجیلیان و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۵۹).^۱

حسینی و همکاران بر این باورند که درونی‌سازی ارزش‌های دینی با توجه به ابعاد سه‌گانه‌ی انسانی یعنی بعد بینشی، گرایشی و رفتاری، نیازمند روش‌هایی متناسب با این سه بعد می‌باشد. در این نوشتار با توجه به بعد گرایشی و عاطفی، با استفاده از قرآن و روایات، در تقویت ساحت عاطفی انسان جهت نهادینه‌سازی ارزش‌های اسلامی پرداخته شده است. (حسینی و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۵۷).^۲

با توجه به یافته‌های تحقیقات یادشده مشخص می‌شود در آنها به سیر ترتیبی نهادینه‌سازی ارزش‌های دینی در تجارت با کاربرد آموزه‌های قرآنی اشاره نشده، ضمن آنکه ابتدا به نظریه سیستم‌ها و نیز تلفیق و ادغام نظریه سیستم‌ها و الگوی به‌ترگزینی از آموزه‌های قرآنی به نوآوری این پژوهش افزوده است.

۳. نهادینه‌سازی ارزش‌های دینی در تجارت با کاربرد آموزه‌های قرآنی مبتنی بر

نظریه سیستم‌ها

همه معارف قرآن را می‌توان در قالب نظامی هماهنگ و پیوسته به هم براساس محوری واحد ملاحظه کرد. بدین صورت که موضوعات قرآن در قالب سه محور: عقاید، احکام و اخلاق دسته‌بندی می‌شود و زیرمجموعه‌های مختلف آنها براساس آیات قرآن تبیین می‌گردد (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ج ۲، ص ۱۴۰) و رابطه اجزاء هم باید طولی باشد و نه عرضی و در عین حال باید ارتباط منطقی و ترتیبی هم بین آنها حفظ شود (همان، صص ۱۹-۲۶). بنابراین از بهترین روش‌های فهم آیات قرآن فهم آنها در قالب نظامی هماهنگ و به هم پیوسته است. در این پژوهش نهادینه‌سازی ارزش‌های دینی صرفاً در دو حوزه احکام و اخلاق تجاری طرح بحث می‌شود.

۱. آجیلیان مافوق، محمد مهدی؛ رستمی، محمد حسن؛ احمدزاده، سیدمصطفی ۱۳۹۷، نظریه «سیستم‌ها» و

کارکردهای قرآنی آن، اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، شماره ۱۷، ۸۳ تا ۱۰۲.

۲. حسینی، سیده زهرا؛ ماهروزاده، طاهره، ۱۴۰۰، روش نهادینه‌سازی ارزش‌های دینی در بعد گرایشی و عاطفی،

نشریه پژوهش در علوم رفتاری و تربیتی با رویکرد اسلامی، ۱(۱)، ۸۷-۱۰۹.

۳-۱. التزام عملی به احکام و قوانین تجاری

التزام عملی به احکام الهی، یکی از فرمان‌های خدا به بنی‌اسرائیل است (يُبْنِي اِسْرَائِيْل اَذْكُرُوا نِعْمَتِي الَّتِي اَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَاَوْفُوا بِعَهْدِي اَوْفِ بِعَهْدِكُمْ وَ اِيَّيْ فَارْهَبُوْنَ) (البقرة: ۴۰) «ای فرزندان اسرائیل نعمت‌هایم را که بر شما ارزانی داشتم به یاد آرید و به پیمانم وفا کنید تا به پیمانتان وفا کنم». مقصود از «عهدی» اوامر و نواهی خدا به بنی‌اسرائیل است (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۲۰۸). پس از شکل‌گیری اعتقادات و باورهای صحیح، قوانینی نیاز است تا رفتار صحیح تجاری و منطبق با آن شکل گیرد. در مرحله رفتارسازی از روش‌هایی استفاده می‌شود که فرد در میدان عملی به آن صفت متصف می‌شود. همراه با آموزش احکام، التزام عملی به آن ضروری است. بروز و ظهور صفات حسنه به هنگام اجرای احکام الهی و در جامعه قابل مشاهده است. بر اساس آیه (رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا - اَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلٰی اَلْقَوْمِ الْكٰفِرِيْنَ) (البقرة: ۲۸۶) از اینکه اهل ایمان، هنگام ترک تکلیف در صورت خطا و نسیان، تقاضای عدم بازخواست دارند، معلوم می‌شود که التزام عملی به انجام تکالیف الهی داشته‌اند. با بهره‌گیری از آموزه‌های قرآنی به روش‌هایی برای التزام عملی به احکام و قوانین اشاره می‌شود.

بر مبنای آموزه‌های قرآنی می‌توان راهکارهای التزام عملی به قوانین و احکام تجاری را استخراج نمود که در زیر به ترتیب به چند مورد آن اشاره می‌شود.

۳-۱-۱. حضور در محیط عملی (بازار)

محیط بستری برای شکل‌گیری بسیاری از ویژگی‌های رفتاری است و بسیاری از عواطف، عادات و نگرش‌ها به گونه‌ای شگرف از محیط تأثیر می‌پذیرد. حضور در محیط عملی اجرای احکام مبتنی بر شرع مقدس، می‌تواند زمینه‌ساز التزام عملی به احکام تجاری باشد. کیفیت تعلم خضر نبی به موسی (ع) درس آموز است؛ وی کارگاه‌های عملی را زیر نظر مستقیم خضر نبی گذراند (الکھف: ۶۸-۶۵). لذا فرد می‌تواند قبل از اشتغال به تجارت در بازار (محیط عملی تجارت)، با شاگردی نزد تاجران آشنا به احکام تجاری اسلامی، ضمن آشنایی با این احکام، نسبت به آن التزام عملی پیدا کند. اثر محیط معمولاً مستمر است و تکرار می‌شود در نتیجه عادت ایجاد می‌کند. با توجه به نقش اساسی آموزش در فرآیند شکل‌دهی به

فرهنگ جامعه، لازم است علاوه بر اهمیت دادن به فرآیند آموزش، به ایجاد محیطی مطلوب توجه کافی داشت که شوق و انگیزه را نسبت به فرآیند یاددهی و یادگیری ایجاد می‌کند.

۳-۱-۲. دانستن حکمت احکام تجاری

قرآن کریم پس از بیان احکام، به تبیین دلیل آن می‌پردازد. اگر فلسفه احکام مستند به ادله محکم و درخور پذیرش شرعی باشد دارای فوایدی از جمله ایجاد انگیزه مضاعف در میدان عمل است. شخصی که فایده عمل خویش را می‌داند معمولاً با رغبت و انگیزه بیشتری آن را انجام می‌دهد و از سوی دیگر عناصر وسوسه‌انگیز نمی‌توانند به بهانه بی‌ثمر بودن آن عمل فرد را به انکار و بی‌تفاوتی بکشاند. فخر رازی می‌نویسد: «شناخت فلسفه احکام فایده مهمی است؛ زیرا نفوس بشری به پذیرش احکامی میل دارد که مطابق ملاک‌های عقلی و علمی است و به عکس، در پذیرش احکامی که تنها تعبدی‌اند، بی‌میل است» (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۴۰۵). به عنوان نمونه وقتی انسان فلسفه تحریم ربا را بداند که رباخواری با فلسفه پیدایش پول منافات دارد و باعث می‌شود که پول از شکل اصلی‌اش تحریف و به شکل يك کالا درآید. «پول، ثَمَّنُ است نه مُثْمَن، واسطه کالاست، نه کالا و رباخوار آن را کالا قرار می‌دهد و از این رهگذر جامعه را گرفتار خسارت می‌کند (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۳۷۰). و یا اینکه رباخواری مانع جریان پول در مسیر تولید و کارهای عام‌المنفعه است و به جای تلاش و فکر و بازو، فقط از سود پول بهره‌گیری می‌شود، لذا ربا تحریم شده است (يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُزِيهِ الْأَصْدَقَاتِ) (البقرة: ۲۷۶) خدا ربا را نابود می‌کند؛ در صورت آگاهی از این امر، پذیرش تحریم ربا برایش آسان می‌شود.

۳-۱-۳. تذکر مستمر

برای این که انسان رفتار صحیح و تکالیفی را که برعهده اوست به‌طور دائم انجام بدهد، تذکر لازم است. "ذکر"؛ یکی از مسائل پرتکرار در قرآن است «لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (الأنبياء: ۱۰) ما بر شما کتابی نازل کردیم که وسیله تذکر (و بیداری) شما در آن است. آموزه‌های قرآنی یادآورهایی را برای انسان در نظر گرفته و اساساً خود پیامبران یادآورند «فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ» (الغاشیه: ۲۱). تذکر، در این نوشتار عبارتست از «گفتار و یا رفتاری که از فرد آگاه در بازار سر می‌زند تا انسان را آگاه سازد نسبت به آنچه از احکام

تجاری غفلت کرده و یا از آن بی‌خبر است و اطلاع از آن برای او لازم است و احساسات او را در برابر آنها برانگیزانند». نتیجه این روش، هشیار و متذکر شدن و ایجاد نوعی بیداری برای التزام عملی به قوانین تجاری است. تذکر مستمر به اجرای احکام تجاری در بازار می‌تواند توسط افراد با تشکیل گروه‌های تواصی نسبت به یکدیگر صورت پذیرد (وَتَوَاصُوا بِالْحَقِّ وَتَوَاصُوا بِالصَّبْرِ) (العصر: ۳) یکدیگر را به حق سفارش کرده و یکدیگر را به شکیبایی و استقامت توصیه نموده‌اند. تواصی به حق «یعنی به دعوت همگانی و عمومی به سوی حق اشاره می‌کند، تا همگان حق را از باطل به‌خوبی بشناسند و هرگز آن را فراموش نکنند و در مسیر زندگی از آن منحرف نگردند (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۶۶، ج ۲۷، ص ۳۲۲).

۳-۲. نهادینه سازی صفات اخلاقی

برای نهادینه‌سازی ارزش‌های دینی در تجارت، قبل از هر چیز، شناسایی آن ارزش‌ها در تجارت، ضرورت دارد. از ارزش‌های دینی که مورد تأکید آموزه‌های قرآنی قرار گرفته‌اند می‌توان به عدالت‌محوری (ایفای عهد و میزان، انصاف، سود متعارف)، صداقت، صبر، اتقان‌کاری و تحریم ربا اشاره کرد. برای نهادینه‌سازی صفات اخلاقی و انتقال از مرحله نظری به مرحله عملی، با تلفیق و ادغام نگاه سیستماتیک و الگوی بهترگزینی در رفتار تجاری می‌توان سه مرحله ۱. کششی (انگیزشی)؛ ۲. بینشی (آموزش و رشد فکری) و ۳. کنشی (رفتارسازی) را به‌کارگرفت.

۳-۲-۱. مرحله انگیزشی

انگیزش یک نیروی محرک درونی است که انسان را به‌سوی حرکتی خاص با هدف مشخص حرکت می‌دهد؛ عوامل مختلفی مانند شناخت‌ها، نیازها و هیجان‌ها برای به‌وجود آمدن بعد از علم به وجود مصلحت و منفعت در انجام یک فعل سبب شوق و انگیزش در انسان می‌شود. پس انگیزش نیز مقدم بر اراده فعل است (اسلاوین، ۱۳۸۵، ص ۳۶). عواطف با تمام گونه‌ها هایش در انسان خاصیت برانگیختگی و حرکت‌زایی دارد. خداوند برای ایجاد انگیزش نسبت به انفاق، تشویق به انفاق در راه خود می‌کند (مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٍ) (البقرة: ۲۶۱) کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند، همانند بذری هستند که هفت خوشه برویاند؛ که در هر خوشه،

یکصد دانه باشد. در واقع خداوند با در نظرگرفتن پاداش هفتصد برابری برای منفق، در انسان ایجاد انگیزه نسبت به این صفت حسنه نموده است. وقتی در محیط تجاری به اهمیت این صفت مطلوب و نقش آن در زمینه حفظ و توسعه کسب‌وکار آگاهی داده شود، کمترین انگیزه‌ای می‌تواند سبب ترغیب و پایبندی به آن صفت حسنه شود. انگیزش در آموزه‌های دینی صرفاً به صورت بیانی نیست؛ در حدیث امام صادق (ع) است «کونوا دعاة الناس باعمالکم و لاتکونوا دعاة بالسنتکم» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۸۲) مردم را با اعمال خویش دعوت به سوی خدا کنید نه به زبان خود. این کلام دلیل بر این است که همه مسلمانان راستین نیز به نوبه خود باید الگو برای دیگران باشند و با زبان عمل، اسلام را معرفی کنند (طباطبایی، ۱۴۱۸، ج ۱۹، ص ۳۹۹). بر اساس آموزه‌های قرآنی، طی سلسله رفتارهایی انگیزشی در قالب‌هایی از جمله (۱. تشویق؛ ۲. انذار؛ ۳. طرح سؤال؛ ۴. موعظه؛ ۵. مقایسه میان وضعیت خوب و بد؛ ۶. تبیین فواید کسب صفات اخلاقی) می‌توان ترغیب و احساس نیاز نسبت به انجام صفت اخلاقی را در محیط تجاری همگانی نمود.

۳-۲-۱. تشویق و ترغیب نسبت به انجام صفت اخلاقی

«تشویق و ترغیب» در لغت، عبارت است از «ایجاد میل و رغبت نسبت به چیزی در یک یا چند فرد و در اصطلاح عبارت است از سلسله رفتارهایی (اعم از گفتار و کردار) در حوزه تربیت که در فرد برای انجام یا استمرار کاری، ایجاد شوق و انگیزه می‌کند» (انیس ابراهیم، ۱۳۶۷، ص ۸۸). ترغیب، از روش‌های تربیتی است که در قرآن کریم و سیره معصومان (ع) در جهت برانگیختن مردم به اعمال صالح و اجتناب دادن آنان از گناه، استفاده شده است. تأثیر و کارایی این روش، ریشه در ویژگی‌های روان‌شناختی انسان دارد. «ترغیب» با توجه به ظرفیت‌های انسان‌ها، مراتبی دارد. برای ترغیب به کسب صفت اخلاقی می‌توان از راه-کارهای زیر بهره جست:

الف) توجه به مزایای متخلق شدن و همچنین آسیب‌های عدم بهره‌گیری از آن صفت: در قرآن کریم، تعالیم اخلاقی ارائه شده به انسان همواره با نتیجه آن تعالیم همراه است. به این معنا که اگر خداوند انسان را امر به انجام صفتی نیکو می‌کند، یا از انجام عملی ناپسند برحذر می‌دارد، نتیجه آن را هم ذکر می‌کند. به عنوان نمونه یکی از صفات حسنه در تجارت،

وفای به عهد و پرهیز از عهدشکنی است و قرآن کریم اولین آسیب عهدشکنی را به سمت خود فرد می‌داند (فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَمَسِيئَتِهِ أَجْرًا عَظِيمًا) (الفتح: ۱۰). پس از آن هر که نقض بیعت کند به حقیقت بر زیان و هلاک خویش اقدام کرده است. بر مبنای این آیه وقتی فرد بداند زیان عهدشکنی و بدقولی در فعالیت - تجاری دامن خودش را می‌گیرد و خود اوست که در اثر بدقولی ضرر می‌کند، نسبت به ایفای عهد ترغیب می‌شود.

ب) گفتگوی با افراد شاخص در آن صفت حسنه: گفتگو با افراد شاخص و یا مطالعه زندگی چهره‌هایی که در انصاف یا عدم انصاف به صفات اخلاقی در عرصه تجارت هستند نیز می‌تواند تأثیر بسزایی در ایجاد انگیزه انصاف به صفات اخلاقی داشته باشد. قرآن از این روش با روایت‌گری گفت‌وگویی میان موسی (ع) و قارون بهره برده و دلیل هلاکت قارون را انباشت ثروت و عدم پرداخت زکات معرفی کرده است (القصص: ۷۶-۸۱). مطالعه عاقبت و سرنوشت افرادی همچون قارون نمونه‌ای عینی برای کسانی است که نسبت به قوانین اقتصادی و تجاری اسلام بی‌تفاوت هستند.

۳- ۲- ۱- ۲. انذار

یکی دیگر از روش‌های ایجاد انگیزه، انذار است. انذار به معنی «آگاه کردن کسی از امری است که در آینده رخ می‌دهد و مایه عذاب او خواهد بود» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ذیل نذر). خداوند یکی از مهم‌ترین مأموریت‌های پیامبران را انذار قرار داده است (یا قَوْمِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ) (نوح: ۲) ای قوم! من برای شما بیم‌دهنده آشکاری هستم. از منظر روانشناسی، رفتار انسان در کلیه قالب‌ها تحت تأثیر نظام انگیزشی است. آگاهی از پاداش و کیفر یا دریافت خبری که حاکی از پیامد مثبت یا منفی يك رفتار است، به عنوان عوامل انگیزشی در رفتار انسان در نظر گرفته می‌شود (شاملی، ۱۳۷۹، ص ۴). با توجه به تعریف «انذار» می‌توان گفت وقتی فرد تحت تأثیر حالت برانگیختگی مثبتی قرار می‌گیرد، در نتیجه این باور در او تقویت می‌شود که برای رهایی از زجر و عذابی که به جهت انجام ندادن صحیح وظیفه در آینده برایش مقدّر می‌گردد، باید به گونه‌ای رفتار نابهنجار را محو کند و رفتارهای مثبت را احیا و تقویت نماید و مسئولیت‌هایی که به عهده‌اش است را به خوبی انجام دهد (سلیمی، ۱۴۰۲، ص ۹۱). بُعد انگیزشی بیم‌دهی به مثابه شیوه‌ای از شیوه‌های پالایش و

مه‌ار رفتار آدمی، حاکی از ارتباطی است که رفتار آدمی با پاداش و کیفر الهی دارد. در آموزه‌های قرآنی انذار با هدف انگیزش نسبت به پرهیز از کم‌فروشی مطرح شده است. آیات ابتدایی سوره مطففین به این مطلب اشاره دارد (وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ) (المطففین: ۱). «خداوند در این آیه با استعمال واژه «ویل» کم‌فروشان را مورد تهدید شدیدی قرار داده و در حقیقت اعلان جنگی است از ناحیه خداوند به این افراد ستمگر که حق مردم را به طرز ناجوانمردانه‌ای پایمال می‌کنند» (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۶۶، ج ۲۶، ص ۲۴۴). فرد به‌هنگام انذار در قالب روایتگری از لحظات حسابرسی اعمال و با رسیدن به نقطه‌ای مطلوب از آگاهی نسبت به رفتار مورد نظر و آثار مترتب آن، در فرایندی قرار می‌گیرد که سبب برانگیختگی و هدایت به سمت رفتار مطلوب می‌شود.

۳-۲-۱-۳. طرح سوالات

گاهی ایجاد انگیزه از طریق طرح سوالات مختلف و فرصت دادن به مخاطب برای یافتن پاسخ آنها ممکن می‌شود. طرح سؤال از مؤثرترین و تحول‌آفرین قالب‌هایی است که ذهن مخاطب را بر تفکر، کسب تجربه، سؤال و کشف پاسخ متمرکز می‌کند. خداوند، بشر را مخاطب پرسش خود قرار داده است. این روش در بسیاری از آیات قرآن قابل مشاهده است (يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ) (البقرة: ۲۱۵) از تو می‌پرسند چه چیز انفاق کنند؟ طرح سوالاتی از قبیل اهداف تجارت در اسلام، کارکردهای عدالت در محیط تجارت؛ نتایج صبر در برابر مشکلات کسب‌وکار، بازخورد انصاف در محیط تجارت؛ عواقب سنگین بیان شده پیرامون کم‌فروشی، احتکار، ربا، تکاثر در آیات و روایات؛ محاسن صداقت و وفای به عهد در بهبود کسب‌وکار می‌تواند به ایجاد انگیزه نسبت به اتصاف صفات حسنه رهنمون باشد.

۳-۲-۱-۴. موعظه

موعظه عبارت از تذکر به نیکی‌ها است که توأم با رقت قلب باشد. «در واقع هرگونه اندرزی که در مخاطب تاثیر گذارد، او را از بدی‌ها بترساند و یا قلب او را متوجه نیکی‌ها گرداند، موعظه نامیده می‌شود» (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۶۶، ج ۸، ص ۳۱۸). از نگاه قرآن روش اتخاذ شده در موعظه باید به‌شیوه نیکو باشد تا مؤثر واقع شود «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ» (النحل: ۱۲۵) با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت

نما. موعظه نیکو یعنی ترغیب و تشویق مردم به ترک زشتی‌ها و انجام کارهای پسندیده، به گونه‌ای که زشتی‌ها در نظر آنها تنفرآور و نیکی‌ها در نظر آن‌ها لذت‌بخش جلوه کند. در موعظه به روش نیکو، با ایجاد رقت قلب و لطافت روح، عواطف تحریک شده و موجب می‌شود انسان از انجام صفات نامطلوبی از قبیل خلف وعده، دروغ، بی‌انصافی، کم‌فروشی، ربا و غیره به سمت انجام صفات مطلوب میل کند؛ در این حالت زمینه اتصاف به صفات حسنه فراهم می‌شود. حضرت شعیب (ع) قومش را که به رذیله کم‌فروشی دچار شده بودند، چنین موعظه کرده است (وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ وَلَا تَنْقُصُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ إِنِّي أَرَاكُمْ بِخَيْرٍ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُّحِيطٍ) (هود: ۸۴) و به سوی مدین، برادرشان شعیب گفت: ای قوم من! خدا را پرستش کنید جز او خدای دیگری برای شما نیست، و پیمان‌ها و ترازو را کم نگذارید، همانا من شما را به خیر (و صلاح) می‌بینم و برآستی که من از عذاب روز فراگیر بر شما می‌ترسم. «استفاده از تعبیر «برادرشان» اشاره به نهایت دلسوزی است که حضرت هود نسبت به قوم خود دارد (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۹۹، ج ۶، ص ۲۷۳) و نسبت به موعظه قوم اقدام نموده است.

۳- ۲- ۱- ۵. تبیین فواید کسب صفات اخلاقی

قرآن کریم ابتدا با ارائه جهان‌بینی الهی سعی دارد تا فرآیند تصدیق به فائده را در راستای تعالی اخلاق جهت‌دهی نماید تا انسان را نسبت به انجام افعال نیکو برانگیزاند. از طرفی برای ایجاد انگیزش در بندگان به صورت مکرر مصادیق فواید و مضرات تخلق یا عدم تخلق به صفات حسنه را متذکر می‌شود و از فواید برخی افعال و یا از عواقب ناگوار برخی دیگر از آنها صحبت به میان می‌آورد. به عنوان مثال در آیه (يَوْمَ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ) (المائدة: ۱۱۹) روزی است که راستگویان را صداقتشان سود دهد، برایشان باغ‌هایی است که زیر درختانش نهرها جاری است، همیشه در آن ماندگارند، خداوند از آنان راضی است، آنان نیز از او راضی‌اند، این رستگاری بزرگ است. خداوند مصادیق فواید تخلق به صفت حسنه صداقت را متذکر می‌شود. صداقت بازار به این است که عوامل آن، یعنی عرضه‌کنندگان و تقاضاکنندگان، نوع برخوردشان با یکدیگر، فضای فیزیکی، چینش کالا و فضای حاکم بر بازار پایدار و واقع‌نما باشد، به گونه‌ای که انحراف از حقیقت یا وارونه‌سازی

آن به هر نوع ممکن صورت نگیرد. پایبندی به اصول اخلاقی از جمله تعهد به اجرای قراردادهای تجاری، موجب افزایش اعتماد میان تاجر و مصرف‌کننده می‌شود و افزایش اعتماد افزون بر سلامت جامعه، موجب گسترش و تقویت روابط تجاری می‌شود. بسیاری از آیات نیز به‌جای اینکه صرفاً از ارتکاب به عملی نهی نماید آثار سوء و عواقب آن عمل قبیح را ذکر نموده تا از این طریق برای ترک آن عمل ایجاد انگیزش نمایند. به‌عنوان مثال در قرآن کریم برای ایجاد انگیزش نسبت به ترک ربا، به‌جای نهی از ربا به عواقب ناگوار آن اشاره شده است (البقرة: ۲۷۶).

۳-۲-۲. مرحله بینشی (آموزش و رشد فکری نسبت به صفت حسنه)

خداوند هدف دوم از بعثت پیامبر را افزایش آگاهی و حکمت بیان می‌کند و مسؤولیت پیامبر را افزایش آگاهی مردم بر می‌شمرد (يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ (البقرة: ۱۲۹) تا آیات تو را بر آنها بخواند و به آنان کتاب و حکمت بیاموزد و (از مفسد فکری، اخلاقی و عملی) پاکیزه‌شان نماید. چرا که تا آگاهی حاصل نشود، تربیت که مرحله سوم بعثت است صورت نمی‌گیرد (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۴۵۷). قرآن - کریم پس از آنکه در انسان انگیزه لازم نسبت به ارزشمند بودن صفت انفاق را ایجاد نمود، در مرحله بعد افزایش آگاهی با هدف رشد و پرورش فکری پیرامون صفت انفاق را دنبال می‌کند و جهت دعوت و غرضی که در صفت انفاق است را بیان می‌نماید (البقرة: ۲۶۴)؛ «به این طریق که صورت عمل و کیفیت آن را تبیین کرده که ۱. باید انفاق، منت و اذیت به‌دنبال نداشته باشد؛ ۲. هدف از این کار باید رضای خدا باشد نه مردم؛ ۳. وضع آن مال را بیان می‌کند که باید طیب باشد نه خبیث؛ ۴. مورد آن باید فقیری باشد که در راه خدا فقیر شده است و ۵. در نهایت فلسفه انفاق را مایه رشد آدمی که مهم‌ترین طریق حل مشکل فاصله طبقاتی است» (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۳۱۵) تبیین می‌کند. خداوند در آیه (أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ) (البقرة: ۲۶۷) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از پاکیزه‌ترین چیزهایی که به‌دست آورده‌اید انفاق کنید؛ هدف از انفاق را، «رهایی از بخل دانسته است، نه رهایی از اشیای بی‌ارزش و نامطلوب» (قراحتی، ج ۱، ص ۴۲۴). در مکتب اسلام، هدف از انفاق تنها فقرزدایی نیست، بلکه رشد انفاق‌کننده نیز مطرح است. خداوند

در آیه «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ» (آل - عمران: ۹۲) دل کندن از محبوب‌های خیالی و شکوفاشدن روح سخاوت، از مهم‌ترین آثار انفاق برای انفاق کننده دانسته است. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «ما مِنْ حَرَكَةٍ إِلَّا وَ أَنْتَ مُحْتَاَجٌ فِيهَا إِلَى مَعْرِفَةٍ»، هیچ حرکتی نیست مگر این که انسان در به انجام رساندن آن نیاز به شناخت و آگاهی دارد (مجلسی، ج ۷۴، ص ۲۶۷). با بهره‌گیری از آیات قرآن می‌توان روش‌های زیر را برای رشد فکری استخراج کرد.

۳-۲-۲-۱. رشد فکری توسط معلم

آموزش می‌تواند از درون (فطرت) و فضای بیرونی مخاطب انجام شود. یعنی، هنگامی که سخن از آموزش به میان می‌آید تنها دانش‌های نظری مراد نیست، بلکه از دانش رشدی و کمالی نیز یاد می‌شود. حضرت موسی (ع) برای دستیابی به رفتارهای درست اجتماعی همراه و همگام با مصاحب خود، حضرت خضر می‌شود که از دانش رشدی برخوردار بوده است (فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا) (الکَهِف: ۶۵) در آن جا بنده‌ای از بندگان ما را یافتند که رحمت از سوی خود به او داده، و علم فراوانی از نزد خود به او آموخته بودیم. خضر نبی به‌عنوان معلم حضرت موسی (ع) نشان می‌دهد که تغییر رفتار تنها اختصاص به زمان خاصی ندارد و انسان در هر سن و یا سطح علمی باشد نیازمند بهره‌گیری از دانش‌های رفتاری و مربیانی است که بتوانند با کنترل و نظارت مستقیم بر رفتار مخاطب، چالش‌های مشاهده در رفتار آن را شناسایی نموده و ارزیابی و تحلیل خود را از رفتار بیان دارد. اسلوب آگاهی بخشی خضر نبی در افزایش آگاهی موسی (ع) نسبت به صفت صبر مطابق با همین است. از دیدگاه شهید مطهری «باید هدف در تعلیم و تربیت اسلامی، دادن رشد فکری به متربی باشد» (مطهری، ۱۳۷۴، ص ۲۴) نه صرف افزایش حجم داده‌های ذهنی در مخاطب. بنابراین خروجی مرحله آموزش، دستیابی به بینش و فهم صحیح نسبت به مفاهیم دینی است که نمود آن را باید در رفتار تجاری مشاهده کرد.

۳-۲-۲-۲. رشد فکری با روش مقایسه میان وضعیت مطلوب و نامطلوب

در یادگیری مطالب ارتباط میان مفاهیم نقش اساسی را بر عهده دارد؛ به این معنا که هرگاه انسان موفق شود میان چند مفهوم رابطه موجود را کشف کند ذهن او از این ارتباط منطقی به مفهومی جدید می‌رسد و آن را فرا می‌گیرد. «مقایسه» می‌تواند به شکل جملات سؤالی و یا خبری مطرح شود. در شکل سؤالی، فرد در برابر دو انتخاب قرار می‌گیرد که باید با در نظر گرفتن جوانب مختلف، یکی را انتخاب نماید. آگاهی بخشی و اعطای بینش نسبت به وضعیت مطلوب و نامطلوب با اسلوب مقایسه نمونه‌ای از روش مقایسه در آیات قرآن است که با این روش، سطح بینش و آگاهی مخاطبین خود را بالا می‌برد و موجب گرایش آنان به صفت مطلوب می‌شود. با مقایسه میان وضعیت مطلوب و نامطلوب به این نکته بدست می‌آید که برای نیل به وضعیت مطلوب، اتصاف به صفات حسنه ضروری است.

۳-۲-۲-۳. سیر در ارض

از کارکردهای «سیر در ارض»، رشد فکری، تقویت و پرورش اندیشه‌های انسان است (سیرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ) (الانعام: ۱۱) روی زمین گردش کنید! سپس بنگرید سرانجام تکذیب‌کنندگان آیات الهی چه شد؟ خداوند در این آیه استفاده از ابزار «سیر در ارض» را سبب تعقل و بالا رفتن سطح بینش انسان دانسته است. از این رو قرآن کریم برای تحقق این مهم دستور به سفر داده است تا با درس گرفتن از احوال جوامع گنه‌کار گذشته، اخلاق فردی و اجتماعی آنان تغییر یافته و به سمت تعالی گرایش پیدا کنند. «سیر در ارض» می‌تواند از طریق مطالعه تاریخ گذشتگان محقق شود. انسان با مطالعه آثار گذشتگان، از صفات نکوهیده جوامع غیراخلاقی گذشته آگاه شده و با الگودایی از آن، به احکام الهی پایبند می‌گردد و در نتیجه از پرتگاه سقوط و انحرافات فردی و اجتماعی در امان خواهد ماند. به‌عنوان نمونه با مطالعه رفتار نادرست اقتصادی و تجاری قوم حضرت شعیب (ع) این نکته به دست می‌آید که لازم است روابط اقتصادی را برپایه موازین پذیرفته شده عقلانی و شرعی سامان داد، از تعدی به حقوق دیگران پرهیز کرد و راه قسط و عدالت را پیمود (يا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ) (هود: ۸۱) ای قوم من! پیمانان و ترازو را با انصاف و عدل پر کنید و اشیا مردم (چیزی) را نگاهید و فسادکنان، در زمین تباهی مکنید.

۳-۲-۲-۴. تفکر و تعقل

قرآن کریم به رشد و پرورش فکری مخاطب خود توجه ویژه‌ای دارد. به عنوان مثال با تفکر در آموزه‌های دینی از جمله حدیث امام هادی (ع) که فرمود «الدنيا سوق ریح فیها قوم و خسر آخرون» (حرانی، ۱۴۲۹، ص ۴۸۳) دنیا بازاری است که گروهی در آن سود می‌برند و گروهی در آن دچار خسران می‌شوند؛ پرسش‌هایی برایش مطرح می‌شود از جمله: ۱- مراد از میدان تجارت بودن دنیا چیست؟ ۲- سرمایه آدمیان در این دنیا چیست؟ ۳- خریدار و فروشنده چه کسی است؟ ۴- کالایی که مورد معامله قرار می‌گیرد چیست؟ ۵- هدف از این تجارت چیست؟ ۶- چه کسانی در این میدان تجارت، سود می‌برند و چه کسانی در این تجارت دچار خسران می‌شوند؟ حاصل تفکر پیرامون این حدیث می‌تواند انتخاب میان دو گزینه باشد: ۱- تجارت بدون سود که انتخاب گمراهان است «فَمَا رَبِحَتْ تِجَارَتُهُمْ» (البقرة: ۱۶)؛ ۲- تجارتي پر سود که هرگز کسادی ندارد (تِجَارَةٌ لَنْ تَبُورَ) (فاطر: ۲۹)، که انتخاب مؤمنان است و آنان را از عذابی دردناک رهایی می‌بخشد (يَأْيُهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا هَلْ أَذِلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِّنْ عَذَابِ أَلِيمٍ) (الصف: ۱۰)

۳-۲-۳. مرحله کنشی (رفتارسازی)

بعد از اینکه انگیزه لازم و ایجاد باور به ارزشمند بودن مفاهیم دینی جوانه زد و بر اساس مقتضیات زمانی و مکانی مرحله آموزش طی شد، نوبت به مرحله رفتارسازی می‌رسد. بر مبنای آموزه‌های قرآنی روش‌های بکارگیری شده در این مرحله عبارتند از:

۳-۲-۳-۱. الگوسازی

الگو را به سرمشق، اسوه و مقتدا معنا کرده‌اند (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۸۷) و آن حالتی است که انسان از غیر خود چه در امور خوب یا بد تبعیت می‌کند (راغب، ۱۴۱۲، ص ۳۳). در قرآن پس از «اسوه» واژه‌ی «حسنه» آمده است، تا مشخص شود الگویی مدنظر است که شایسته سرمشق قرارگرفتن باشد. خداوند پیامبر (ص) را به عنوان نمونه‌ای عملی از الگوی یک انسان کامل در تمامی ابعاد به جهانیان معرفی می‌کند (الاحزاب: ۲۱). الگوگیری از محبت قلبی فرد به سرمشق و اسوه‌اش حاصل می‌شود که فرد سکنت و رفتار او را نمونه عملی خود قرار می‌دهد. خداوند برای رفتارسازی صفت انفاق از شیوه‌های گوناگونی از جمله

معرفی الگوی عملی انفاق استفاده می‌کند (الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً) (البقرة: ۲۷۴) آنها که اموال خود را، شب و روز، پنهان و آشکار، انفاق می‌کنند. این آیه تصویر است از کسانی که از تمرکز بر رفع نیازهای خود بیرون آمده و پیوسته با گذشت از علاقه‌های خود در حال انفاق می‌باشند و «در شأن حضرت علی (ع) نازل شده است. هنگامی که آن حضرت فقط چهار درهم ذخیره داشت، یک درهم را در روز، یک درهم را در شب، سومین آنرا مخفیانه، و چهارمین درهم را آشکارا در راه خدا انفاق نمود» (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۷۱). در این روش نمونه‌ای عینی و قابل تقلید در برابر انسان قرار می‌گیرد و وی تلاش می‌کند در همه چیز خود را همانند الگوی مطلوب کند. «مرحله رفتارسازی، با الگودهی صحیح طی سه مرحله ۱. مشاهده؛ ۲. اکتساب؛ ۳. پذیرش؛ محقق می‌شود» (رشیدپور، ۱۳۷۰، ص ۱۰۷).

۳-۲-۳-۲. شبیه‌سازی (تلقین)

تلقین یکی از روش‌های تأثیرگذار بر نفس و روح آدمی است. واژه تلقین به معنای «فهمانیدن»، «آموختن»، «گرفتن سخن از کسی»، «چیزی را در ذهن کسی حقیقت جلوه دادن و کسی را به چیزی معتقد کردن نیز استعمال می‌شود (دهخدا، ۱۳۷۷، ذیل توحید). هسته مرکزی معنای این واژه عبارت است از «انتقال مفاهیم و آگاهی‌ها و تفهیم». «در علم اخلاق نیز «تلقین به نفس» به عنوان راهکاری جهت درونی کردن صفات حسنه مطرح شده است. در بحث ظرفیت‌های روانشناختی، تلقین به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر ادراک شمرده می‌شود» (عبدالهی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۸۳). از تلقین به عنوان مرحله‌ای پس از آموزش در قالب تکرار نظام‌مند یک صفت مطلوب می‌توان بهره برد. نتیجه تلقین، یک عملکرد روانشناختی است که در پی آن فرد افکار، احساسات، رفتار و نگرش خود یا افراد دیگر را تحت تأثیر قرار می‌دهد. (فَوْقَاهُمْ اللَّهُ سَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَصْرَةً وَسُرُورًا) (الانسان: ۱۱) «لَقَّاهُمْ» در معنای استقبالی که با پذیرش همراه باشد آمده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۱۹۹). داستان حضرت یعقوب و تلقین ایشان به فرزندانش به عنوان مثالی از تلقین است؛ زمانی که برادران یوسف نزد او با ندامت به اشتباه خود اعتراف کردند و حضرت با عبارت «اذ انتم جاهلون» عذرشان را (جوانی، نادانی و کم تجربگی) به آنها تلقین نمودند (طباطبایی، ۱۴۱۸، ج ۱۱، ص ۳۳۲). امیرالمؤمنین (ع) فرمود: «اگر بردبار

نیستی، خود را به بردباری بنمای، زیرا اندک است کسی که خود را مانند مردمی کند و جمله آنها به شمار نیاید» (رضی، ۱۳۸۷، ص ۱۱۴). می‌توان در محیط تجاری با شبیه‌سازی (تلقین) اجرای صفات و ارزش‌های اخلاقی همانند صبر، صداقت، عدالت، انصاف، ایفای میزان به تمرین نهادینه‌سازی این ارزش‌ها پرداخت.

۳-۲-۳-۳. ایفای نقش (روش میدانی رفتارسازی عملی)

آموزش در هر دانشی می‌بایست افزون بر دانش‌های نظری که از راه گفت و گو و استدلال انجام می‌شود؛ به شکل عملی نیز صورت گیرد. آن چه دانشی را پایدار و به شکل علم حضوری و ذاتی در می‌آورد شکل عملی آن است. قرآن کریم در این روش مخاطب را به ایفای نقشی فرا می‌خواند که گاه نقش مورد نظر در عمل، به او نشان داده می‌شود. در داستان موسی (ع) و خضر، روش خضر به‌عنوان معلم به گونه‌ای بوده که به‌جای اینکه آموزش در قالب مجموعه‌ای از دانش‌های تئوری باشد و مسیر انتقال آن را به شکل علم حصولی بسنده کند، حضرت موسی (ع) را به‌عنوان شاگرد با خود به میان جامعه می‌برد و در عمل، خود معلم امور و رفتارهای خاص آموزشی را در پیش می‌گیرد و در ادامه آن شاگرد را نیز به کار عملی وادار می‌سازد. حضرت موسی (ع) نیز تن به انجام کار می‌سپارد و با کارگری رایگان دیواری را به‌دستور استادش بنا می‌گذارد. قرآن روش میدانی رفتارسازی عملی خضر (ایفای نقش به شاگرد) را به‌عنوان پرورش و آموزش رشدی و الهی یاد می‌کند (قَالَ لَهُ مُوسَى هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَىٰ أَنْ تُعَلِّمَنِي مِمَّا عَلَّمْتَ رُشْدًا) (الکهف: ۶۶) موسی به او گفت: «آیا از تو پیروی کنم تا از آنچه به تو تعلیم داده شده و مایه رشد و صلاح است، به من بیاموزی؟. باید توجه داشت که در مراکز آموزشی کنونی کمتر به آموزش‌های عملی در حوزه رفتارسازی و نهادینه‌سازی ارزش‌های دینی توجه می‌شود؛ آن چه در دانشگاه‌ها و حوزه‌های کنونی تدریس می‌شود علم اخلاق و تربیت است نه پرورش اخلاقی و تربیتی افراد. در این میان، پررنگ شدن پیوست فرهنگی تربیتی نسبت به وظیفه علمی، از وظایف معلمان است. در میدان رفتارسازی تمرین عملی صداقت، صبر، وفای به‌عهد، ایفای میزان از جمله ارزش‌هایی است که می‌توان با بهره‌گیری از این روش برای نهادینه‌سازی در رفتار بهره برد.

۳-۲-۳-۴. رویارویی با نتیجه اعمال

عمل برای انسان، نقش‌آفرین است (النجم: ۳۹)، سرنوشت هرکسی در گرو اعمال خویش است (المدثر: ۳۸) و اعمال حسنه و سیئه در زندگی تأثیر حتمی دارد (النساء: ۸۵). در این روش، پیامدهای نیکو یا ناگوار اعمال توصیف و ترسیم می‌شود تا پس از درک کامل نتایج اعمال اعم از حُسن یا قُبْح، بدون نیاز به امر و نهی، آنچه در بردارنده نیک‌بختی است به انتخاب برگزیده شود. در این هنگام است که انسان می‌بیند نتیجه عملش، به سود اوست یا به زیان او و در نتیجه زمینه مناسب برای انگیزه درونی نسبت به تقویت فعل یا ترک آن فعل فراهم می‌شود. در زندگی روزمره بعضی افراد نمونه‌هایی را می‌توان دید از کاربرد نیرنگ در دین و سوء استفاده از احکام دینی برای رسیدن به منافع مادی جهت گریز از پرداخت خمس و فروش چند برابر اشیاء ساده و بی‌قیمت با رضایت طرف مقابل جهت رباخواری و غیره. مصداق بارز این عمل در آیه ۱۶۵ سوره اعراف، به گروهی از بنی‌اسرائیل اشاره شده است که در کنار دریا می‌زیستند و کارشان ماهی‌گیری بود. پیامبرشان ماهی - گیری در روز شنبه را بر ایشان تحریم کرد. استمرار این وضعیت، تعدادی از بنی‌اسرائیل را واداشت تا برای حلال کردن این حرام الهی به نیرنگ متوسل شوند؛ بدین صورت که کنار دریا شیارهایی را ایجاد کردند تا ماهی‌ها با ورود به آنها در روز شنبه محبوس شده و به راحتی در روزهای بعد صید شوند. «آنچه بر جذّابیت شیطانی این عمل می‌افزود، جمع‌آوری ثروت نامشروع فراوانی بود که به این افراد می‌رسید. پیامد این حيله شرعی، شیوع و رسوخ صفت بوزینگی و حقه بازی در این قوم شد (طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۵۴۰). وقتی عاقبت احتکار، کم‌فروشی، نقض پیمان، دروغ‌گویی و بی‌انصافی را در دنیا و آخرت مشاهده شود، زمینه برای نهادینه‌سازی ارزش‌های دینی محیا می‌شود.

۳-۲-۳-۵. مداومت بر انجام صفت مطلوب

گاهی انسان با شوق اجرای صفات حسنه را شروع می‌کند؛ ولی پس از مدتی در میان امواج حوادث گوناگون و مسائل روز مرّه از آن سرد می‌شود و اجرای آن فراموش می‌شود که در این حالت انسان را به‌جائی نمی‌رساند. آنچه مطلوب است و سبب نهادینه شدن صفت مطلوب می‌شود این است که بر آن عمل نیک مداومت بورزد. مراد از مداومت در عمل این است که اگر انسان یک عمل نیکی را شروع نمود، آن را به‌طور مستمر انجام دهد تا نفس

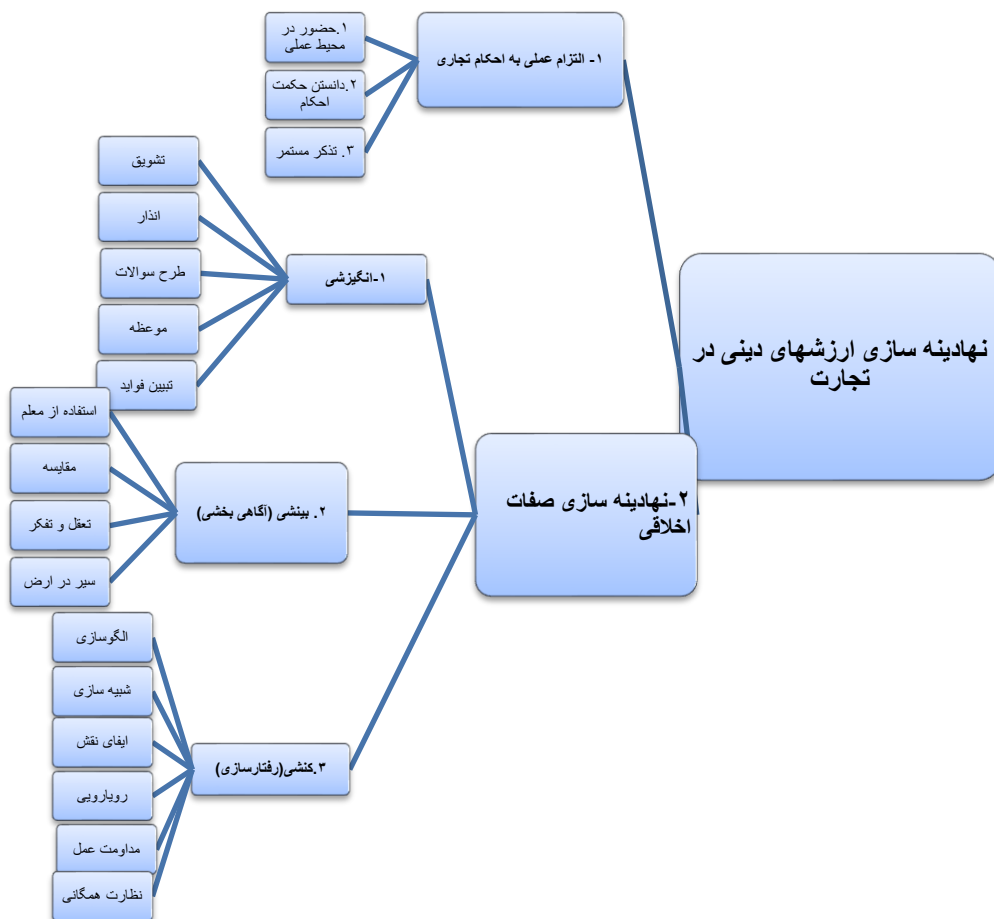
آدمی با آن خوگرفته و در دراز مدت بر اثر تکرار و ممارست از حال «کیفیت ناپایدار و زودگذر نفسانی» به صورت ملکه «صفت ثبوتی و راسخ در نفس» در آید. قرآن کریم هنگامی که سخن از مؤمنان می‌گوید «عمل صالح» را به عنوان یک برنامه مستمر زندگی آنها بیان می‌کند (وَ يُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا حَسَنًا) (الکهف: ۲) و مؤمنان راستین را که پیوسته عمل صالح انجام می‌دهند بشارت دهد که پاداش بزرگ و نیکویی در انتظار آنهاست. زیرا فعل جمله «يعملون الصالحات» فعل مضارع است و فعل مضارع دلیل بر استمرار است. در این آیه دلیل ایمان راستین، استمرار در عمل صالح است (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۶۶، ج ۱۲، ص ۳۳۶). بر همین اساس صفت انفاق بصورت فعل مضارع بعنوان ویژگی مستمر در مؤمنان قید شده است «يُنْفِقُونَ».

۳-۲-۳-۶. نظارت همگانی (امر به معروف و نهی از منکر)

این امتیاز مهم را قانون اسلام بر بسیاری از قوانین جهان دارد که همه افراد جامعه را در برابر آن چه در جامعه می‌گذرد، مسئول می‌داند. هرگاه کسی از انجام وظیفه خود سرپیچی نماید، همه در قالب واجب کفایی مأمورند او را نصیحت کرده، از آن کار بازدارند و به انجام وظیفه فرا خوانند. این امر یکی از واجباتی است که بُعد اجتماعی قوی دارد و به مثابه اصلی زیربنایی در راستای اصلاح جامعه به کار می‌رود (كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ) (آل عمران: ۱۱۰) شما بهترین امتی هستید که برای مردم ظاهر شده‌اید. به خوبی‌ها فرمان می‌دهید و از بدی‌ها و زشتی‌ها، نهی می‌کنید. اگر افراد جامعه به عنوان شبکه‌های روابط اجتماعی پیوسته یک ناظر بیرونی را بر اعمال خود احساس کنند، لزوم پایبندی به قوانین جامعه اسلامی افزایش می‌یابد. نظارت همگانی (امر به معروف و نهی از منکر) به مثابه پیشران نهادینه‌سازی ارزش‌های دینی در تمام عرصه‌های اجتماعی از جمله تجارت است. بدین صورت که اگر در جامعه هر یک از افراد نسبت به یکدیگر در اجرای این دستور شرعی پایبند باشند که به قرار گرفتن رفتار بر روی ریل صحیح کمک می‌کند، شرایط برای مداومت بر انجام رفتار صحیح فراهم گشته و در نتیجه رفتار مبتنی بر ارزش‌های دینی در فرد نهادینه می‌شود. در بحث تجارت می‌بایست پس از

اصلاح فساد (هود: ۸۸) بهینه‌سازی در حوزه‌های تولید و توزیع و مصرف صورت گرفته و پس از قانون‌گذاری بر اجرای دقیق آن نظارت نمود (الک‌هف: ۹۷ - ۹۳؛ السبأ: ۱۳-۱۲).

هنگامی که اسلام به عنوان یک سیستم در نظر گرفته شود اعتقادات، احکام و اخلاقیات نسبت به آن یک خرده‌سیستم هستند. هر کدام از این خرده سیستم‌ها می‌توانند خود یک سیستم در نظر گرفته شوند که ذیل آنها خرده‌سیستم‌هایی قرار می‌گیرند. نهادینه‌سازی ارزش‌های دینی مبتنی بر نظریه سیستم‌ها را می‌توان اینگونه تبیین نمود که اولاً میان ارزش‌های دینی سیر ترتبی وجود دارد؛ یعنی ابتدا لازم است در انسان باورهای صحیح شکل بگیرد و پس از آن با استفاده از قوانین صحیح، نمود آن در رفتار ظاهر شود؛ ثانیاً سیر ترتبی میان هر یک از خرده‌سیستم‌ها مشهود است بدین معنا که در مسیر التزام عملی به احکام لازم است ابتدا فرد به‌صورت عملی در بازار حضور پیدا کند و از نزدیک با احکام تجاری اسلام به هنگام انجام معاملات تجاری آشنا شود. در این میان دانستن حکمت احکام الهی می‌تواند در التزام به احکام تجاری مؤثر باشد. در نهایت اجرای تذکر مستمر در محیط تجاری می‌تواند نقش کمکی در یادآوری اجرای احکام و التزام عملی به آن باشد (شکل ۱-۱).



شکل ۱-۱- داده نمای نهادینه سازی ارزشهای دینی با کاربری آموزه های قرآنی مبتنی بر نظریه سیستمها

*نتیجه گیری

نتایج مهم مستخرج از این نوشتار به شرح زیر قابل بیان است:

۱. در این نوشتار نهادینه سازی ارزشهای دینی با کاربری آموزه های قرآنی مبتنی بر نظریه سیستمها با هدف بهرگزینی در رفتار تجاری مورد بحث قرار گرفت. منظور از ارزشهای دینی در تجارت احکام تجاری و صفات حسنه است. منظور از کاربری آموزه های قرآنی آیاتی است که دلالت بر صفات حسنه و احکام تجاری می کند و نیز مراد از نظریه سیستمها

پیوستگی و ترتب سیر نهادینه‌سازی ارزش‌های دینی در تجارت است. به‌ترگزینی، الگوگیری از آیات دال بر صفات و احکام به منظور بهبود عملکرد رفتاری در تجارت است.

۲. پس از ایجاد باور صحیح و اتصاف به صفات اخلاقی، التزام عملی به احکام تجاری مورد انتظار است. با کاربرد آموزه‌های قرآنی، از روش‌های التزام عملی به احکام و قوانین تجاری مبتنی بر نظریه سیستم‌ها عبارتند از: حضور در محیط عملی (بازار)، دانستن حکمت احکام الهی و تذکر مستمر.

۳. با توجه به ابعاد سه‌گانه انسان (گرایش، بینش، کنش) سیر ترتبی و طولی مراحل نهادینه‌سازی صفات اخلاقی منطبق با این ابعاد طراحی شد. بر مبنای نظریه سیستم‌ها این سه مؤلفه تحت یک هندسه هماهنگ، متناظم و پیوسته طولی با هدف نهادینه‌سازی ارزش‌های دینی پیشروی می‌کنند. ترتب میان آنها الزامی است و با حذف هر یک از این مؤلفه‌ها، نتیجه مطلوب حاصل نخواهد شد. در ساحت اول نهادینه‌سازی ارزش‌های دینی، ایجاد گرایش و انگیزش نسبت به صفت اخلاقی رخ می‌دهد. یعنی ابتدا باید در فرد ایجاد کشش نسبت به صفت مطلوب شکل بگیرد تا پس از آن بتوان با افزایش دانش نسبت به آن رفتارسازی شکل بگیرد. با واکاوی آموزه‌های قرآنی برای ایجاد انگیزش و احساس نیاز به ارزش‌های دینی روش‌هایی استخراج شد. در ساحت دوم، بینش و آگاهی نسبت به صفت اخلاقی تکمیل می‌شود. جهت‌دهی به رفتار درست نیاز به آگاهی بخشی صحیح دارد تا کشش به سمت صفت مطلوب محقق شود. از نگاه قرآن تمامی انسان‌ها دارای مدل رفتاری هستند و رفتار صحیح بر اساس آگاهی شکل می‌گیرد که تحت تأثیر عوامل درونی و برون‌ی قرار دارد. در ساحت سوم، در صحنه عمل (بازار) بروز و ظهور صفتی پیگیری می‌شود که انگیزش و معرفت بخشی نسبت به آن صورت گرفته است. راهکارهای مستخرج از آموزه‌های قرآنی برای نهادینه‌سازی صفت اخلاقی ضمن آنکه مرتبط هستند و با یکدیگر هم‌پوشانی دارند، بسیاری از آنها در هر یک از ساحات کششی، بینشی و کنشی قابل استفاده است.

۴. خروجی تلفیق و ادغام نظریه سیستم‌ها و الگوی به‌ترگزینی از آموزه‌های قرآنی، سیر ترتبی نهادینه‌سازی ارزش‌های دینی در تجارت است؛ الگویی که برای نهادینه‌سازی صفات اخلاقی و قوانین در تمام حرفه‌ها از جمله تجارت کاربرد دارد.

منابع

۱. قرآن کریم (۱۳۹۰). ترجمه مکارم شیرازی، قم: اسوه.
۲. آجیلیان، محمدمهدی؛ رستمی، محمدحسن (۱۳۹۷). نظریه سیستم‌ها و کارکردهای قرآنی. *اسلام و پژوهش‌های مدیریتی*. شماره (۲). صص ۱۰۱-۸۳.
۳. ابراهیم، انیس؛ محمد خلف الله، احمد و دیگران (۱۳۶۷). *المعجم الوسيط*. الطبعة الثالثة. بیروت: مکتب نشر الثقافة الاسلامیة.
۴. ابن شعبه حرانی، حسن (۱۴۲۹). *تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه وآله و سلم*. بیروت: منشورات الفجر.
۵. ابن منظور، محمدبن مکرم (۱۳۷۴). *لسان العرب*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۶. استیفن پی، رابینز (۱۹۹۰)، *تئوری سازمان*، ترجمه سید مهدی الوانی، حسن دانایی فرد (۱۳۷۶)، تهران: موج.
۷. اسلاوین، رابرت ای (۱۹۹۶). *روان‌شناسی تربیتی*، ترجمه یحیی سیدمحمدی (۱۳۸۵)، چاپ اول، تهران: روان.
۸. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). *لغت نامه*، تهران: دانشگاه تهران، چاپ یکم.
۹. دروسنی، ژوئل و جون بیشون (۱۳۷۰). *روش تفکر سیستمی*. ترجمه امیر حسین جهاننگلو. تهران: انتشارات پیشبرد.
۱۰. رضی، محمدبن حسین (۱۳۸۷). *نهج البلاغه*، ترجمه محمد دشتی، قم: الهادی.
۱۱. رشیدپور، مجید (۱۳۷۰). *چگونه باید بود؟*، تهران: انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). *المفردات فی غریب القرآن*. قاهرة: دارالعلم.
۱۳. رضاییان، علی (۱۳۷۶). *تجزیه و تحلیل و طراحی سیستم*، تهران: سمت.
۱۴. زمخشری، محمودبن عمر (۱۴۰۷). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*، بیروت: دارالکتاب العربی، چاپ سوم.
۱۵. سلیمی، وحید (۱۴۰۲). *خودکارآمدی راه غلبه بر تردید و شکست*، اصفهان: جهاد دانشگاهی.

۱۶. شاملی، عباسعلی (۱۳۷۹). جایگاه و نقش انذار و تبشیر در نظام تربیتی پیامبران. *معرفت*. ش ۳۳، صص ۱۶-۲۱.
۱۷. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۸ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*، جامعه مدرسین حوزه علمیه. چاپ پنجم.
۱۸. طبرسی، فضل‌بن حسن (۱۳۳۸). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ترجمه احمد بهشتی و همکاران (۱۳۶۰)، تهران: فراهانی.
۱۹. طوسی، محمدبن حسن، *التبیان* (۱۴۰۹). قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۲۰. فخرالدین رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰). *المحصل فی علم الاصول*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۲۱. فقیهی، سید احمد (۱۳۹۱). *روش‌های تربیت اخلاقی در المیزان*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۲۲. قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱). *قاموس قرآن*، چاپ ششم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳). *الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۴. مطهری، مرتضی (۱۳۷۴). *مجموعه آثار*، چاپ سوم، قم: صدرا.
۲۵. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). *بحار الأنوار الجامعه لدرر اخبار الأئمه الإطهار*، بیروت: دار إحياء التراث العربی مؤسسه الوفاء.
۲۶. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۲). *آموزش عقاید*، چاپ اول، قم: دارالثقلین.
۲۷. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۵). *توحید در نظام عقیدتی و نظام ارزشی اسلام*، قم: شفق، چهارم.
۲۸. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۴). *قرآن شناسی*، قم: مؤسسه امام خمینی (ره)، چاپ ششم.
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۶۶). *تفسیر نمونه*. قم: دارالکتاب الاسلامیه.

30. Benedetto, R. and Thompson, K. (۲۰۱۳). Creating an optimal culture: the emergence of the entangled organization. *Employment relation today*, ۱۳-۱

31. Camp, R. C. (1998). 'Benchmarking: The Search for Industry Best Practices that Lead to Superior Performance,' ASQC Quality ۳۰. Press, Milwaukee WI.
32. Singh K, R., Garg K, S. and Deshmukh, S.G. (2008). Strategy development by SMEs for competitiveness: a review. Benchmarking: An International Journal. Vol. 15, No. 5, pp. 525-547.
33. Halliday, M.A.K., (1978), Language as Social Semiotic: The Social Interpretation of Language and Meaning, London, Edward Arnold.